

قبول باشه عزیزان



دفتر انشا و کتاب فارسی
را آماده کنید



یادآوری شهرت نیک

تکلیف شماره 2

عزیزم در آخرین تدریس باهم فیلم هایی دیدیم و مطالبی را خواندیم و آموختیم . انتهای هر کاری لازم است که کمی فکر کنیم .

ببینیم ما باید تو زندگی چکار کنیم ؟

چه راهی را انتخاب کنیم ؟

عاقبت هر انتخابی چی میتونه باشد ؟

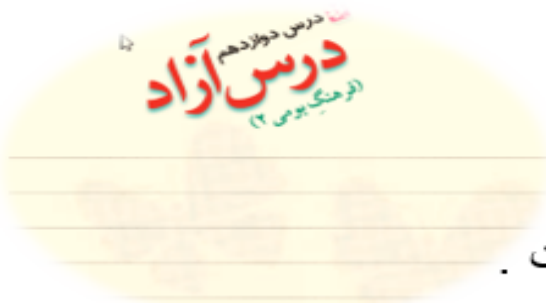
راهنماها ما را به چه مسیری هدایت میکنند ؟



یکم فکر کن

حالا قلمت را بردار و همه فکرها را با جملات زیبا و کلمات با ارزش در یک متن سه بندی بنویس .

صفحه 89 کتاب فارسی صفحه مناسبی برای نگارش مطالب زیبایی شماست .
فرهنگ بومی را کامل کن .





جوان، آرزوی رفتن به خلفای کعبه را در دل داشت؛ تا به سبب عشق و محبت زبانی که به مادرش داشت، نمی‌توانست او را ترک کند. پس از درگذشت مادر، پولی فراهم آورد و رفتی سفر حج شد.

هنوز راه زبانی نرفته بود که راهزنی به او رسید و گفت: «چو بگریز بیگم همراه خود داری؟» جوان که بسیار پناک و سائق بود، گفت: «درست، پنجاه دینار با خود دارم که توشه‌ی سفر من است.»

راهزن سگه‌ها را برداشت و شعر و همدی آنها را به جوان بازگرداند و گفت: «راست‌گویی تو باعث شد که من از کار ناپسند خود شرمانده شوم و از این پس، دست به راهزنی نزنم. اکنون حاضرم لب خود را به تو نهم تا با آن به سفر حج بروی.»

مرد جوان پذیرفت که با او هم سفر شود. پس از آن، سال‌های سال مانند دوستان صمیمی و یک تل، همراه و هم نشین بودند.

سینه‌ای برار چندی

این حکایت با کدام یک از مثل‌ها ارتباط دارد؟

- تا تیر گرم دست نان را بچسبان.
- سنگ مُت گنجشک مُت.
- بانآورده را با باد می‌برد.
- داشتیم داشتیم حساب نیست، دارم دارم حساب است.
- تئیل ترو به سایه، سایه خودش می‌آید.
- نهی پای رفتن، به از کفش تنگ.
- راستی، راه نجات است.

طراحی سوال از متن

چرا چطور

در چه شرایطی

شما اگر جای او بودید



نمونه سوال



• 1- جوان زمانی که دزد را دید چه چیز باعث شد راست بگوید ؟

• 2- تو اگر جای آن جوان بودی چنین دوستی را به عنوان همسفر انتخاب می کردی ؟ چرا

عناصر داستان

شخصیت / مکان / زمان / حوادث / پیام داستان



حکایت همه چیز را همگان دانند 134

- دخترای خوبم این حکایت را در روزهای حضور در یک کلاس کامل و در کلاس دیگر را نیمه خواندیم .
- حتی در یک کلاس مسابقه گذاشتیم و کلی هم خانواده پیدا کردیم .
- مجدد فایل صوتی را برایتان میگذارم و کلمه های هم خانواده حکایت را برایتان نوشتم.
- هم خانواده ها (آداب - ادب- مودب / شوق - اشتیاق - مشوق / احترام - محترم / عزم - عازم / حکمت - حکیم / معرفت - عارف / عهد - تعهد)

درک و دریافت صفحه 137

۱- منظور از " همه چیز را همگان دانند " چیست ؟

منظور آن است که دامنه علوم آن قدر وسیع است که هیچ کس همه علوم را نمی داند و هر کس سهمی از آن دارد و در میان مردم پراکنده است.

۲- مکتب خانه ها را با مدرسه های کنونی مقایسه کنید .

الف) مکتب خانه ها نسبت به مدارس کوچکتر بودند.

ب) در مکتب خانه بیشتر مباحث دینی آموخته می شد.

ج) امکانات مدارس به مراتب از مکتب خانه های آن زمان بالاتر است.

د) شیوه آموزش ها با هم متفاوت است.

۳- چه چیزهایی راهنمای ابو ریحان برای موفقیت بود ؟

شوق به آموزش و یادگیری، خاطره نخستین روز مدرسه، رفتار پسندیده اولین معلم و لطف خداوند راهنمای وی شد.

۴- راه ورود به سرزمین های ناشناخته ، چیست ؟ پرسش.

۵- جمله " همه جا محل یادگیری است " یعنی چه ؟ یعنی از هر جا و هر مکانی و در هر جا و هر مکانی انسان می تواند چیزهایی یاد بگیرد.